



انقلابی در ارزشها

درنگی بر مفهوم رمانتیسم از نگاه آیزایا برلین^۱

آرش نقیبیان

رمانتیسم وضعیت دائمی ذهن است که در هر کجا یافت میشود.

(هربرت رید)

Le romantism c'est La revolution

رمانتیسم یعنی انقلاب

(شاعر رمانتیکهای جوان فرانسوی)

جنشش تا همیشه بر تارک فرهنگ بشری خواهد درخشید. نکته جالب این است که این کتاب به همت ویراستار برجسته آثار برلین، هنری هاردی گردآوری و از روی ضبط صوت پیاده گردیده. غالب بحثهای این کتاب قبلا به صورت سخنرانی توسط برلین در دانشگاههای مختلف ایراد شده بود.

برلین در این کتاب قصد دارد طرح جامع و مشخصی از شکلگیری و علل پیدایش مکتب رمانتیسم در اروپا و خصوصا کشور آلمان که خاستگاه این نهضت است به دست دهد اما او این کار را با صبر و حوصله و دقت مثال زدنی خاصی انجام میدهد و خواننده کتاب مرحله به مرحله با رشد و گسترش و ریشههای رمانتیسم آشنا میگردد و در عین حال از وسعت نظر و دانش برلین و همچنین تحلیلهای فاضلانه او بهره فراوان میبرد.

در فصل اول کتاب، نویسنده در ابتدا به نظریه غالب زیبایی شناسی قرن ۱۸ میپردازد و با اتکاء بر نظریات هنرشناس برجستهای چون وینکلمان سعی دارد تا عقاید کلاسیکی که پیرامون زیبایی شناسی در قرن ۱۸ است را تبیین کند. در قرن ۱۸ هنر به هر چیز اصلی، رسمی، متقارن و معقول اطلاق میگردد. در این قرن میل غربی به پیشرفت و خوشبینی وجود دارد، اما همین خوشبینی مفرط با طرح ۲ نظریه از دو فیلسوف کاملا متفاوت و از دو خاستگاه جدا از هم شکسته میشود.

مونتسکیو فیلسوف نامدار فرانسوی با طرح نظریه نسبت فرهنگ و دیوید هیوم مورخ و فیلسوف انگلیسی با بیان این مطلب که ضرورتی در میان نیست و قانون علیت درباره جهان اشیاء و موجودات صدق نمیکند ضربههای سختی را به نظام فلسفی و زیبایی شناسی قرن ۱۸ وارد ساختند.

برلین در این فصل به نکته مهمی اشاره میکند. او ریشه های رمانتیسم را در غرور جریحهدار شده آلمانیها در قرن ۱۷ و ۱۸ میداند که از پی شکست در جنگهای سی ساله به شدت تحقیر شده بودند و میل به دنیا گریزی و زهد در آنها به شدت رشد کرده بود. نفرت از طبقه روشنفکر و عقلگرایی فرانسوی نزد متفکرین آلمانی از جمله هردر و شلینگ آشکار بود و از دل این نفرت بود که جوانهای رمانتیسم سر در آورد.

در این فصل برلین از یوهان گئورگ هامان چهره گمنامی که با عقایدش شدیدترین حملات را به روشنگری وارد کرد یاد میکند اهمیت هامان به قدری است که بعدها هردر، گوته و کیرگور به شدت تحت تأثیرش قرار گرفتند و نوبخ او را

● رمانتیسم مجموعه رفتارهای غیر متعارف متفکران اواخر قرن ۱۸ و ۱۹ را در بر میگیرد، میگویند ژا دونروال شاعر بزرگ فرانسوی که در میانسالی به جنون رسید و خودکشی کرد در اواخر عمر نخی را به خرچنگی وصل کرده بود و در خیابانهای پاریس میگرداند.

تا به امروز کتابهای مختلف و مقالات متعددی درباره رمانتیسم و علل و ریشههای آن به رشته تحریر درآمده که هر کدام به اندازه خود سودمند بوده و مورد استفاده قرار گرفتهاند. اما به تازگی کتابی تحت عنوان (ریشههای رمانتیسم) نوشته آیزایا برلین و ترجمه عبدالله کوثری توسط نشر ماهی روانه بازار گردیده که از جهات مختلف مهم و قابل بحث و بررسی است.

سرآیزایا برلین متفکر و فیلسوف بزرگ تاریخ اندیشهها در سراسر جهان و از جمله در ایران از مقام و منزلت فراوانی برخوردار است. برلین شخصیتی چند وجهی است که همزمان اطلاعات و دانش حیرتآوری در فلسفه، تاریخ، ادبیات، علوم سیاسی و جامعه شناسی و تمامی اقسام هنر خصوصا موسیقی دارد و تا زمان حیاتش از ابرمردان فرهنگ مدار قرن بیستم بود.

برلین، رمانتیسم را مهمترین تحول و چرخشی میداند که تا به امروز در آگاهی بشری رخ داده و تأثیر این



نفرت هررد از همسانی و همسازی فرهنگی و تاکید فراوان بر نسبییت فرهنگی او را با اندکی اغماض در صف مخالفان ایده جهانی سازی و جهان وطنی قرار میدهد

ستایش کردند.

هامان هیچگاه کتابی را به سامان نرساند و قطعات و پراکنده‌گوییهای فراوانی در کارش دیده میشود. برلین انصافاً شرح دقیق و درخشانی از آثار و عقاید هامان به دست میدهد و خصوصاً نظر او را درباره هنر به دقت تشریح می‌کند.

در فصل بعدی تحت عنوان «پدران رمانتیسم» برلین در صدد اثبات این مدعاست که بر خلاف تصور همگانی در قرن ۱۸ افراد فراوانی بودند که به عقل‌گرایی و خرد باوری اعتقاد نداشتند. برای مثال در انگلستان مهم‌ترین متفکر خردستیز و عارف مسلک «ویلیام بلیک» است که در زمان خود دشمنی سختی با جان لاک داشت اما در فرانسه دنی دیدرو یک استثنا است. او در آثارش به نیروهای پنهان و ساعت‌های درونی بشر توجه خاصی نشان میدهد. دید رو در کنار دالامبر به‌عنوان سردبیر و ویراستار اصلی دایره‌المعارف بزرگ فرانسه در قرن ۱۸ به عموم علوم و دانش‌های عصر خود احاطه داشت و از نوابغ بزرگ فرهنگ بشری است.

رمان مهم دیدرو «ژاک جبری مسلک و اربابش»^۲ در زمان خود پیشگام تمامی آثار مدرن و پست مدرن در ۲ قرن ۱۹ و ۲۰ می‌باشد.

اما به زعم برلین دو متفکر بزرگ هستند که اطلاق لفظ پدران رمانتیسم به شدت زبینه آنهاست یکی هررد «هواخواه سرسخت رمانتیسم» و دیگری کانت «دشمن سرسخت رمانتیسم» که در کمال حیرت و ناخواسته حامی بزرگ این جنبش گردید. مولف در این فصل از آراء و عقاید هررد در تاریخ اندیشه‌ها بحث میکند قبل از این نیز برلین در آثار دیگرش از جمله کتاب «مخالف جریان» و همچنین کتاب «در جستجوی آزادی» که مصاحبه‌های درخشان رامین جهانگلو با اوست به تفصیل از اهمیت هررد سخن گفته بود.

هررد را شاید بتوان یکی از پدران ناسیونالیسم دانست هرچند برلین در اعتراف به این حقیقت اندکی تردید دارد نفرت هررد از همسانی و همسازی فرهنگی و تاکید فراوان بر نسبییت فرهنگی او را با اندکی اغماض در صف مخالفان ایده جهانی سازی و جهان وطنی قرار میدهد.

نویسنده در فصل مربوط به رمانتیک‌های میان‌هرو با دقت فراوان از عقاید کانت بحث میکند و ریشه‌های عقاید رمانتیک کانت را در فلسفه اخلاق این فیلسوف جستجو میکند. نفرت کانت از مفهوم پدرسالاری و بهره‌کشی و سلطه انسان از انسان دیگر او را ناخود آگاه در جرگه متفکران رمانتیک قرار میدهد.

در این فصل همچنین از عقاید شیلر فیلسوف، زیبایی شناس و نمایشنامه‌نویس آلمانی بحث میگردد و عقاید شیلر را درباره مفاهیمی مانند هنر و بازی روشن مینماید.

سومین متفکری که در این فصل آریایا برلین به بررسی عقاید و آثارش می‌پردازد فیخته است. فیخته فیلسوف عملگرا و ارادهدار آلمانی در حوزه اندیشه فلسفی و سیاسی در غرب جایگاه برجسته‌ای دارد جمله معروفی از فیخته به نقل از برلین در کتاب آمده است که نشاندهنده روح به شدت رمانتیک این متفکر است: «همین که نام آزادی را میشنوم دلم باز میشود و

حال آنکه با شنیدن نام ضرورت می‌گیرید و اندوهناک میشوید».

از نظر فیخته انسان گونه‌های عمل مداوم است. عقاید فیخته در حوزه سیاست به گونه‌های ناسیونالیسم افراطی انجامید هرچند خود او را در باب این انحراف و کجفهمی گناهی نیست.

در اینجا برلین به نکته مهمی اشاره میکند و آن به وجود آمدن «قهرمان رمانتیک» است در فواصل سالهای ۱۷۶۰ تا ۱۷۸۰ خصوصاً با نگارش دو نمایشنامه مهم یکی توسط لسینگ و دیگری توسط شیلر.

در فصل مربوط به رمانتیک‌های تندرو و آریایا برلین در ابتدا به نقل از اگوست شلگل ۳ عامل مهم را در تاثیر بر جنبش رمانتیک برمی‌شمارد که عبارتند از ۱:

نظریه فیخته در باب شناخت، ۲: انقلاب فرانسه، ۳: رمان ویلهلم مایستر نوشته گوتسه، برلین در این فصل به تفصیل از عقاید گوتسه در باب رمانتیک‌ها بحث میکند و نشان میدهد که گوتسه روابط دوگانه‌ای با رمانتیک‌ها داشت از یک سو کم سواد و سطحی‌نگری آنان را تحقیر میکرد و از سوی دیگر نمیتوانست نسبت به تعریف و تمجید فراوان رمانتیک‌ها از خود واکنشی نشان ندهد.

در این فصل برلین سرانجام کلید مهمی به دست میدهد یعنی خط فکری مشخصی را برای شناخت زیبایی شناسی جنبش رمانتیک ترسیم میکند، قبل از این که به این نظریه مهم بپردازم لازم است اندکی از عقاید و آرای شلینگ فیلسوف عارف مسلک و بی اندازه مهم و تاثیرگذار آلمانی سخنی بگویم.

شلینگ به گونه‌های اصالت حیات عرفانی معتقد بود از نظر شلینگ خداوند گویای رد اصل متکامل آگاهی است و نوعی «تطور خلاق» میباشد. لازم به یادآوری است که این مفهوم بعدها مستقیم وارد فلسفه برگسون شد. شلینگ معتقد به ناخودآگاهی در خلق اثر هنری بود و در نهایت از آمیزش نظریه اراده آزاد فیخته و آموزه ناخودآگاه شلینگ پایه‌های نظریه زیبایی شناسی رمانتیک ریخته شد و این نظریه به نوبه خود مفهوم سمبولیسم و دکترین نمادگرایی را باعث شد. پیدایش مفاهیم بسیار اساسی و مهم چون نوستالژی و پارانویا که مستقیماً وارد فرهنگ قرن بیستم گردید از همین جریان برمیخیزد.

در ادامه‌ی این بحث برلین با ژرف کاوی مثال زدنی مفاهیم پارانویا و نوستالژی را که میراث مستقیم تفکر رمانتیک برای قرن ۲۰ است بررسی می‌کند. از نظر برلین پارانویا روایت بدبینانه‌ای از آرمانهای رمانتیسم است چراکه جهان واقعیات بدین راحتی تن به آرمانهای انسان رمانتیک نمیدهد و فرد رمانتیک احساس میکند دستی از غیب برون آمده و رشته کارهایش را به هم ریخته است. جستجوی انواع توطئه‌ها در تاریخ «که حداقل برای ما ایرانیها امر ناآشنایی نیست» از همین نظریه آب میخورد. از دیدگاه برلین خاستگاه اصلی رمانتیسم کشور آلمان بود اما این جنبش از مرزهای جغرافیایی آلمان فراتر رفت. در انگلستان به واسطه حضور لرد بایرون به این مکتب بایرونیسم میگفتند. در اهمیت بایرون همین نکته بس که همه رمانتیک‌های فرانسوی از ویکتور هوگو به بعد شدیداً تحت تاثیر بایرون بودند.

در صفحات پایانی کتاب آریایا برلین میراث مثبت و منفی رمانتیسم را برمی‌شمارد و از پیدایش جنبش آگزیستانسیالیسم فرانسوی یاد میکند که خلف برحق تفکر رمانتیک است. در این جا برلین از عقاید ژان پل سارتر بحث میکند و نگاه سارتر به مقولاتی چون آزادی و اختیار آدمی را از اساس برگرفته از نگاه رمانتیک‌ها می‌داند.

از دیدگاه برلین فاشیسم نیز فرزند ناخلف رمانتیسم است عقاید خردستیزانه و ناسیونالیستی رمانتیک‌ها سرانجام راه را به روی نظریه فاشیسم باز کرد و اما به راستی رمانتیسم به ما چه می‌آموزد؟ ما امروز مفهوم آزادی هنرمند را وامدار رمانتیسم هستیم و این که هنرمند و انسان را نمیتوان با نگرش‌های بیش از حد ساده، تبیین کرد و همچنین رمانتیسم به ما آموخت که پاسخی یگانه به مسائل انسانی ممکن نیست.

مطالعه کتاب ارزشمند ریشه‌های رمانتیسم را که با ترجمه عبدالله کوثری و ویراستاری هنرمندانه هومن پناهنده لذت مطالعه یک کتاب خوب را در این قحط الزمان فرهنگی میسر میگرداند از دست ندهیم.

۱. ریشه‌های رمانتیسم - آریایا برلین - عبدالله کوثری - نشر ماهی ۱۳۸۵
۲. رمان (ژاک جبری مسلک و اربابش) توسط خانم مینو مشیری به فارسی ترجمه شده و در آینده نزدیک به چاپ میرسد.